

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



عربی، زبان قرآن (۳)

کلیه رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش

پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	عربی، زبان قرآن (۳) - پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه - ۲۱۲۱۱۱
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	گروه درسی عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری - محمدکاظم بهنیا (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - مریم کیوان (طراح جلد) - مریم نصرتی (صفحه‌آرا) - رعنا فرج‌زاده دروئی، الهام جعفرآبادی، فاطمه پزشکی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ دوم ۱۴۰۲



کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.





قال الإمام الخميني (قدس سره) :


«لا تقولوا اللغة العربية ليست لغتنا؛ إنها ترتبط بنا؛ لأنها لغة الإسلام و الإسلام للجميع.»

أَلْفِهْرِسُ

- الف بيشگفتار 
- ١ أَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ 
- ٢ أَلنَّصُّ: أَلزَّرَاعَةُ وَ تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي
- ٥ جِوَارُ (فِي سِوْقِ مَشْهَدِ)
- ٦ اِعْلَمُوا (اسْمُ التَّفْضِيلِ)
- ١٠ أَلتَّمَارِينِ
- ١٢ أَلبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

- ١٣ أَلدَّرْسُ الثَّانِي 
- ١٤ أَلنَّصُّ: آدَابُ الْكَلَامِ فِي الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ
- ١٧ جِوَارُ (فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ)
- ١٨ اِعْلَمُوا (اسْمُ الْمُبَالَغَةِ)
- ٢١ أَلتَّمَارِينِ
- ٢٤ أَلبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

- ٢٥ أَلدَّرْسُ الثَّلَاثُ 
- ٢٦ أَلنَّصُّ: عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ
- ٢٩ جِوَارُ (مَعَ الطَّبِيبِ)
- ٣٠ اِعْلَمُوا (اسْمُ الْمَكَانِ)
- ٣٢ أَلتَّمَارِينِ
- ٣٥ أَلبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

- ٣٧ أَلدَّرْسُ الرَّابِعُ 
- ٣٨ أَلنَّصُّ: تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
- ٤١ جِوَارُ (فِي الصَّيْدَلِيَّةِ)
- ٤٢ اِعْلَمُوا (لَنْ يَفْعَلَ، لَمْ يَفْعَلْ)
- ٤٥ أَلتَّمَارِينِ
- ٤٧ أَلبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای هنرجویان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب: کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا یازدهم به ویژه دو کتاب پیشین رشته‌های فنی را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

خدای را سپاس‌گزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۳) ویژه هنرجویان رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به جوانان کشور عزیزمان، خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی، به‌منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود هنرجوی پایه دوازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات ساده قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خواننده شده، درست بخواند و معنای آن‌ها را بفهمد و ترجمه کند. کتاب با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب حدود یکصد کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن بسیاری از واژه‌های کتاب‌های هفتم تا یازدهم نیز در کتاب دوازدهم تکرار شده است. هدف اصلی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آن‌جا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است. مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی، زبان قرآن پایه دوازدهم در چهار درس نگاشته شده است. هر درس را می‌توان در پنج جلسه یک ساعته آموزشی تدریس کرد.

۲ هنرجوی پایه دوازدهم در سال‌های گذشته با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، اسم اشاره، کلمات پرسشی، ساعت‌خوانی، وزن و ریشه کلمات عددهای اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های آن) و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، اسم فاعل و اسم مفعول

۳ متن درس اول درباره ارزش و جایگاه کشاورزی و دام‌داری است. قواعد درس درباره شناخت اسم تفضیل است. در تمرینات بحث عدد و انواع فعل که در دو سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است. تدریس مبحث «حَیْر» و «شَر» و اسم تفضیل بر وزن «فُعَلی» از اهداف کتاب نیست.

۴ موضوع متن درس دوم، آداب سخن گفتن در قرآن و حدیث است. آداب سخن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای هنرجو شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب برنامه پنهان آموزش وجود دارد که هدف آن‌ها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

۵ موضوع متن درس سوم شگفتی‌های آفرینش است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده است. با توجه به سنّ پرچوش و خروش جوانی، دانستنی‌هایی جذّاب در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به زبان عربی شود. قواعد درس درباره ترجمه اسم مبالغه است. اسم مبالغه افزون بر این‌که در زبان عربی پرکاربرد است، در زبان فارسی نیز مبحثی سودمند برای فهم معنای واژگان می‌باشد. ۶ متن درس چهارم درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر هنرجویان و دبیران جالب بوده و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعة» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِبِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. مُحَمَّدُ اَلْتُونْجِي. مَكْتَبَةُ لِبْنَانِ نَاشِرُون.
ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین السیوطی (برگردان: محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور جفری (برگردان: فریدون بدره‌ای). توس.
اَلْمُهَذَّبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین السیوطی. مکتبه مشکاة الإسلامیة.
قواعد درس درباره معنای دو فعل «لَنْ يَفْعَلَ» و «لَمْ يَفْعَلْ» است. آموزش نحوه نصب و جزم فعل مضارع از اهداف کتاب نیست؛ لذا از آن سؤال طراحی نمی‌شود. هدف این است که هنرجو فعل‌هایی مانند «لَنْ يَذْهَبَ» و «لَمْ يَذْهَبْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.
اشاره به تغییرات فعل مضارع دارای لَنْ و لَمْ در تدریس اشکالی ندارد؛ اما به عنوان مثال، چنین مواردی نباید در آزمون داده شود:

کدام فعل مضارع منصوب است؟

بر سر فعل جمله «هُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ صَدِيقِهِمْ.» حرف جازم «لَمْ» افزوده و جمله را بازنویسی کنید.

۷ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به هنرجو نیست. بدیهی است که اگر هنرجویی علاقه‌مند، سؤالی پرسید که در حد ساختار کتاب نبود، جداگانه به او پاسخ می‌دهیم.

۸ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب، تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب درسی اعراب‌گذاری شده است تا هنرجو در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۹ به روال سال‌های گذشته معنای کلمات در امتحانات و مسابقات داخل جمله خواسته می‌شود.

۱۰ روخوانی‌های هنرجو و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد.

۱۱ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد. تنها متن درس است که جا ندارد و با نهادن یک برگه در کتاب مشکل حل می‌شود.

۱۲ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه هستند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

خوش حال می‌شویم از نظریات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

نشانی وبگاه گروه عربی:

www.arabic-dept.talif.sch.ir

سخنی با هنرجویان عزیز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا:

زبان قرآن، حدیث، دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است. زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است. آشنایی با زبان عربی، موجب می‌شود املاهای ما تقویت شود و در شناخت معنای کلمات توانمند شویم.

این زبان یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است.

زبانی پر معنا و قوی است؛ و کتاب‌های بسیاری از دانشمندان به این زبان نوشته شده است. انسان با دانستن هر زبانی گویی انسانی جدید می‌شود. دانستن هر زبان دریچه‌ای به سوی نگاهی نوین است.

این کتاب ادامه پنج کتاب پیشین است. برخی آموخته‌های پیشین در این کتاب تکرار شده است. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماسست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید. پیش از تدریس معلم، متن درس را بخوانید و ترجمه کنید؛ سپس در کلاس درس، رفع اشکال کنید.

برای یادگیری هر زبانی تکرار و تمرین لازم است. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

یادگیری هر زبان جدیدی ورزشی برای مغز آدمی است و آن را تقویت می‌کند و موجب تقویت حافظه می‌گردد.

کسانی که زبانی دیگر می‌آموزند، هوش کلامی بالاتری نسبت به دیگران خواهند داشت. پژوهش‌ها نشان می‌دهد توان ذهنی کسانی که چند زبان می‌آموزند، به نسبت تک‌زبانانها به دنبال افزایش سن و پیری، آهسته‌تر کاسته می‌شود.

شما می‌توانید زبان خود را به خوبی درک کنید، مگر این که دست کم دو زبان بلد باشید؛ مثلاً بسیاری از افراد از زبان خودشان چیزهایی مثل صفت، فعل و فاعل را تشخیص نمی‌دهند؛ اما هنگامی که به مطالعه یک زبان دوم می‌پردازند، این موارد را در زبان دوم شناسایی می‌کنند که موجب می‌شود نسبت به زبان خودشان نیز فهم بیشتری بیابند.

هدف کتاب، فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید.

شرط اصلی برای کسب مهارت «فهم متن» درست خوانی است. کسی که متن یا عبارتی را درست می‌خواند، می‌تواند معنای آن را نیز تا حدودی دریابد. برای تقویت مهارت قرائت با صدای بلند بخوانید و تمرین کنید.

شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در سخنرانی، انشا، مقاله‌نویسی و زندگی روزمره استفاده کنید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.

محتوای کتاب درسی بر اساس یک ساعت در هفته تنظیم شده است.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



عَلَيْكُمْ بِالْعَنَمِ وَالْحَرْثِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الزَّرَاعَةُ

لِلزَّرَاعَةِ دَوْرٌ مُهِمٌّ فِي حَيَاتِنَا. وَ هِيَ أَسَاسٌ فِي ظُهُورِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ.
الزَّرَاعَةُ، مَصْدَرٌ رَيْسِيٌّ لِلْحُصُولِ عَلَى الْغِذَاءِ.
الزَّرَاعَةُ، تَخْلُقُ فُرْصَ عَمَلٍ لِكَثِيرٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ.

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام:
خَيْرُ الْمَالِ، زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ.



زِرَاعَةُ الرُّزِّ



حِصَادُ الْقَمْحِ



حِصَادُ الْبَطَاطِسِ



زِرَاعَةُ الشُّونَدَرِ

تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي

تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي مَصْدَرٌ رَّئِيسِيٌّ لِمُنْتَجَاتِ الْأَلْبَانِ وَاللُّحُومِ وَالصُّوفِ.
مِائَاتُ الْأَلْفِ مِنْ سُكَّانِ الْقَرْيَةِ يَحْضُرُونَ عَلَى دَخْلِ كَبِيرٍ مِنْ تَرْبِيَةِ الْمَوَاشِي دَاخِلَ
أَرَاضِيهِمْ.

﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ هود: ٦١

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام

نِعْمَ الْمَالُ الشَّاءُ.



تَرْبِيَةُ الْبَقَرِ



تَرْبِيَةُ الْعَنَمِ



تَرْبِيَةُ الْجِمَالِ



تَرْبِيَةُ الْمَاعِزِ

نقش	دَوْر	هزاران «مفرد: أَلْف / مِائَتُ الْأَلْفِ: صدها هزار»	آلاف
گوسفند	شَاة	فراورده‌های شیری «مفرد: لَبَن، یعنی شیر»	ألبان
پشم	صوف	دام‌داری «مواشی جمع ماشیة: چارپایانی مانند گاو، گوسفند و شتر»	تَرْبِيَةُ المواشي
فرصت‌ها «مفرد: فُرْصَة»	فُرْص	شتران «مفرد: جَمَل»	جِمال
گوسفندان، گوسفندداری	عَنَم	کاشتن، شخم زدن، کشاورزی	حَرْث
گوشت‌ها، انواع گوشت «مفرد: لَحْم»	لُحوم	به دست آوردن	حُصول عَلَي
بُز	مَاعِز	تمدن‌ها «مفرد: حَضَارَة»	حَضارات
منبع «جمع: مَصَادِر»	مَصَدْر	درآمد	دَخْل



عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ❑ ❑ ۱ قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نِعَمَ الْمَالِ الشَّاةُ.
- ❑ ❑ ۲ الْزَّرَاعَةُ، أَسَاسٌ فِي ظُهُورِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمَةِ.
- ❑ ❑ ۳ الْزَّرَاعَةُ، تَخْلُقُ فُرْصَ عَمَلٍ لِقَلِيلٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ.
- ❑ ❑ ۴ تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي، مَصَدْرٌ رَئِيسِيٌّ لِمُنْتَجَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ.
- ❑ ❑ ۵ سُكَّانُ الْمُدُنِ، يَحْصُلُونَ عَلَي دَخْلٍ كَبِيرٍ مِنَ تَرْبِيَةِ الْمَوَاشِي.

جَوَّازٌ (فِي سَوْقٍ مَشْهَدٍ)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ

الزَّائِرَةُ الْعِرَاقِيَّةُ

عَلَيْكَ السَّلَامُ، مَرَحَبًا بِكَ.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.

أَرْبَعِمِئَةِ أَلْفِ تُوْمَانٍ.

كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟

عِنْدَنَا بِسِعْرِ ثَلَاثِمِئَةٍ وَخَمْسِينَ أَلْفَ
تُوْمَانٍ.
تَفَضَّلِي، أَنْظُرِي.

أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا.
هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَزْرَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ
وَ بَنَفَسَجِي.

أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟

تَبَدُّ الْأَسْعَارُ مِنْ
خَمْسِمِئَةِ أَلْفِ إِلَى سِتِّمِئَةِ أَلْفِ تُوْمَانٍ.

بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟

سَيِّدَتِي،
يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.

الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!

...

...

سِعْرٌ: قِيَمَتُ «جَمْعِ: أَسْعَارٍ» نَوْعِيَّةٌ: جِنْسٌ



اعلموا

اسم التفضيل

اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

كَبِير: بزرگ	أَكْبَر: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
حَسَن: خوب	أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین
جَمِيل: زیبا	أَجْمَل: زیباتر، زیباترین



حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ.

حمید از سعید بزرگ‌تر است.



حَمِيدَةٌ أَصْغَرُ مِنْ سَعِيدَةٍ.

حمیده از سعیده کوچک‌تر است.



حميدٌ أكبرُ طالبٍ في المَدْرَسَةِ.
حميد بزرگ‌ترین دانش‌آموز در
مدرسه است.



حميدةٌ أصغرُ طالِبَةٍ في الصَّفِّ.
حمیده کوچک‌ترین دانش‌آموز در
کلاس است.

گاهی وزنِ اسم تفضیل، به این شکل‌ها می‌آید:

صفت برترین	صفت برتر	اسم تفضیل	صفت ساده	
بلندترین	بلندتر	أَعْلَى	بلند	عالی
گران‌ترین	گران‌تر	أَعْلَى	گران	غالی
سخت‌ترین	سخت‌تر	أَشَدَّ	سخت	شدید
کمترین	کمتر	أَقَلَّ	کم	قلیل

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَغْلَى جَبَلٍ فِي إِيرَانَ.



سِعْرُ بَطَاقَةِ الطَّائِرَةِ أَغْلَى مِنْ سِعْرِ بَطَاقَةِ الْحَافِلَةِ وَ الْقِطَارِ.



أَحَبُّ النَّاسِ، أَنْفَعُ النَّاسِ.

غالباً جمع اسم تفضيل بر وزن «أَفَاعِلِ» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ، هَلَكَ الْأَفْاضِلُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرگاه پست ترها به فرمانروایی برسند؛ برترها هلاک شوند.

(«أَرَاذِلِ» جمع «أَرْدَلِ» و «أَفَاضِلِ» جمع «أَفْضَلِ» است).

يَعْفُو الْأَكْبَرُ عَنِ الْأَصَاغِرِ.

بزرگ ترها، کوچک ترها را می بخشایند.

(«أَكْبَرِ» جمع «أَكْبَرِ» و «أَصَاغِرِ» جمع «أَصْغَرَ» است).



۱ ﴿... وَ جَادِئُهُمْ بِأَلْتِي هِي أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ الْكَلْحُل: ۱۲۵

۲ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ أَعْدَلُ النَّاسِ، مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴ أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ، أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۶ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۷ أَطْيَبُ الْكَسْبِ، عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۸ أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ، صَدَقَةُ اللِّسَانِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۹ أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ


۱۰ لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذِبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

جادل: بحث کن صل: گمراه شد أنقل: سنگین تر (ثقیل: سنگین) میزان: ترازو (ترازوی کارها) رضی: راضی شد (من رضی: هرکس راضی شود) غلب: غلبه کرد (من غلب: هرکس غلبه کند)

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الكَلِمَاتِ الجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ تُناسِبُ التَّوضِيحاتِ التَّالِيَةِ؟

- ١ مَجْموعَةٌ مِنَ المَظَاهِرِ العِلْمِيَّةِ وَ الأَدَبِيَّةِ وَ الفَنِّيَّةِ، وَ الإِجْتِمَاعِيَّةِ:
- ٢ آلَةٌ يُعْرَفُ بِها مِقْدارُ وَزَنِ الأَشْيَاءِ وَ البَضائِعِ:
- ٣ حَيوانٌ مَعروفٌ فِي القَرْيَةِ يَأْكُلُ العَلْفَ:
- ٤ مُنْتَجاتٌ وَ مَحاصِلٌ مِنَ اللَّبَنِ:
- ٥ تُصَنَعُ مِنْهُ المَلابِسُ:
- ٦ قِيَمَةُ البِضاعَةِ:
- ٧ عَشْرُ مِئاتٍ:

التَّمرينُ الثَّانِي: اُكْتُبِ العَمَلِيَّاتِ الحِسابِيَّةَ التَّالِيَةَ كالمِثالِ:

$4 + 10 = 14$ 

- ١ عَشْرَةٌ زائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُساوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.
- ٢ أَرْبَعُونَ ناقِصٌ عَشْرَةٌ يُساوِي ثَلَاثِينَ.
- ٣ مِئَةٌ تَقسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُساوِي خَمْسِينَ.
- ٤ ثَمانيَّةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُساوِي أَرْبَعَةً وَ عِشرينَ.
- ٥ ثَلَاثُونَ زائِدٌ سَبْعَةَ عَشَرَ يُساوِي سَبْعَةً وَ أَرْبَعِينَ.
- ٦ سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ ناقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُساوِي خَمْسَةً وَ سِتِّينَ.

التمرين الثالث: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.



المصدر	الأمر و النهي	المضارع	الماضي
إِحْسَان: نيكى كردن	أَحْسِنُ:	يُحْسِنُ: نيكى مى كند	أَحْسَنَ:
إِقْتِرَاب: نزديك شدن	لا تَقْتَرِبُ:	لا يَقْتَرِبُ:	إِقْتَرَبَ: نزديك شد
إِنْكَسَار: شكسته شدن	لا تَنْكَسِرُ: شكسته نشو	سَيَنْكَسِرُ:	إِنْكَسَرَ:
إِسْتِغْفَار:	إِسْتَغْفِرُ: آمزش بخواه	يَسْتَغْفِرُ:	إِسْتَغْفَرَ: آمزش خواست
مُسَافَرَة: سفر كردن	سَافِرُ:	لا يُسَافِرُ: سفر نمى كند	ما سَافَرَ:
تَعَلُّمُ: ياد گرفتن	تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمُ: ياد مى گيرد	تَعَلَّمَ:
تَبَادُلُ: عوض كردن	لا تَتَبَادَلُ: عوض نكن	يَتَبَادَلُ:	تَبَادَلَ:
تَعْلِيمُ: آمزش دادن	عَلَّمَ:	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلَّمَ: آمزش داد

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ تَفْضِيْلٍ مِنْ دُعَاءِ الْاِفْتِتَاحِ.



اِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثٍ أَوْ نَصِّ حَوْلَ اَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْاَشْجَارِ.

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾
 الواقعة: ٦٣ و ٦٤





۲

الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وََقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

آدَابُ الْكَلَامِ فِي الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ



﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴾ الْأَحْزَاب: ٧٠
 ﴿ اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ﴾ النُّحْل: ١٢٥
 ﴿ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ﴾ الْإِسْرَاء: ٣٦
 ﴿ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾ الصَّف: ٢



مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 اتَّقُوا مَوَاضِعَ الثُّهَمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

سَخَنَ بَغْوًا	كَلَّمَ	پروا کنید	اتَّقُوا
سَخَنَ نَغْوًا	لَا تُحَدِّثْ	فرا بخوان	أُدْعُ
پیروی نکن	لَا تَقْفُ	تهدمت‌ها	تُهَمِّمْ
نرم	لَيِّنْ	جای لغزنده	زَلِّلْ
آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخن کوتاه و رهنمون)	مَا قَلَّ وَ دَلَّ	درست و استوار	سَدِّدْ
پنهان	مَخْبُوءٌ	عادت بده	عَوِّدْ



عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



۱ الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَأٍ.



۲ لَا إِشْكَالَ فِي التَّكَلُّمِ بِإِلا تَفَكُّرٍ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِّ.



۳ مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ، فَهُوَ قَوِيٌّ.



۴ لَا إِشْكَالَ فِي اقْتِرَابِ مَوْضِعِ التُّهْمَةِ.



۵ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخِرِينَ بِلِسَانِنَا.



۶ عَلَيْنَا مُجَادَلَةُ الْآخِرِينَ بِأَسْوَأِ شَكْلِ.



۷ الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.



۸ لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.



۹ الْمُؤْمِنُ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ.

جوارز (في الملعب الرياضي)

إبراهيم

إسماعيل

لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟

تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ.

بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ؟

لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.

تَعَالَ نَذْهَبْ.

بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ.

فِي الْمَلْعَبِ ...

هَدَفٌ، هَدَفٌ! سَجَّلَ هَدَفًا.

أَنْظُرْ؛ فَرِيقُ الصَّدَاقَةِ هَجَمَ عَلَى الْمَرْمَى.

بِسَبَبِ تَسَلُّلِ.

لَكِنَّ الْحَكَمَ مَا قَبِلَ الْهَدَفَ؛ لِمَاذَا؟!

فِي نِهَايَةِ الْمُبَارَاةِ ...

تَعَادَلًا مَرَّةً ثَانِيَةً.

الْحَكَمُ يَصْفِرُ.

مُبَارَاةٌ: مَسَابِقَةُ مَرْمَى؛ دَرَوَاذِهِ سَجَلٌ؛ ثَبِتَ كَرْدَ هَدَفٍ؛ كُلُّ حَكَمٍ: دَاوِرٌ تَسَلُّلٌ: أَفْسَايِدٌ تَعَادَلٌ: بَرَابَرٌ شَد



اعلموا

اسم المبالغة

«اسم مبالغه» بر بسیاری صفت، یا انجام دادن کاری دلالت دارد و بر وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَةٌ» است و در ترجمه فارسی آن می‌توانیم از قید «بسیار» استفاده کنیم؛ مثال:

عَلَامَةٌ: بسیار دانا	فَهَامَةٌ: بسیار فهمیده	صَبَّارٌ: بسیار بُردبار
غَفَّارٌ: بسیار آمرزنده	كَذَّابٌ: بسیار دروغگو	رَزَّاقٌ: بسیار روزی‌دهنده
	خَلَّاقٌ: بسیار آفریننده	



كَانَ الْعَلَامَةُ الطَّبَّاطِبَائِي رَجُلًا فَهَامًا وَ
مِنْ أَبْرَزِ الْفَلَّاسِفَةِ وَ الْعُرَفَاءِ
فِي الْقَرْنِ الْعِشْرِينَ.

گاهی وزن «فَعَال» بر «اسم شغل» دلالت می‌کند؛ مانند:

نَجَّار: نَجَّار

حَيَّاط: دوزنده

حَدَّاد: آهنگر

خَبَّاز: نانوا



الْحَدَّاد



الْخَبَّاز

این دو وزن، گاهی نیز بر «اسم ابزار، وسیله یا دستگاه» دلالت می‌کند؛ مانند:
فَتَّاحَة (در بازکن)؛ نَظَّارَة (عینک)؛ سَيَّارَة (خودرو)؛ سَمَّاعَة (گوشی تلفن، بلندگو)



الْغَسَّالَة



الْجَوَّال

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): لِلتَّرْجَمَةِ.

.....	﴿حَمَالَةَ الْحَطَبِ﴾	١
.....	﴿الْخَلَاقُ الْعَلِيمُ﴾	٢
.....	﴿أَمَارَةٌ بِالسَّوْءِ﴾	٣
.....	﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾	٤
.....	﴿هُوَ كَذَّابٌ﴾	٥
.....	﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾	٦
.....	الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ	٧
.....	يَا سِتَّارَ الْغُيُوبِ	٨
.....	يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ	٩
.....	فَتَّاحَةَ الرُّجَاةِ	١٠
.....	أَهَاتِفُ الْجَوَالِ	١١
.....	أَفْضَلُ فَنَانٍ	١٢

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيْنِ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ.

- | | | | | |
|------------------------------------|-------------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> كِتَابَةٌ | <input type="checkbox"/> صَبَّارَةٌ | <input type="checkbox"/> صَدَاقَةٌ | <input type="checkbox"/> عِلْمَةٌ | ١ |
| <input type="checkbox"/> عَفَّارٌ | <input type="checkbox"/> صُنَاعٌ | <input type="checkbox"/> عَذَابٌ | <input type="checkbox"/> فَرَاغٌ | ٢ |
| <input type="checkbox"/> زَمَانٌ | <input type="checkbox"/> جِهَادٌ | <input type="checkbox"/> كَذَّابٌ | <input type="checkbox"/> سَمَاءٌ | ٣ |

التمرين الأول: تَرَجِّمِ الْأَحَادِيثَ التَّبَوِّيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١ إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ، مَنْ تَكَرَّرَ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ وَ الْجَمْعَ الْمَكْسَرَ)

٢ أَتَقَى النَّاسَ، مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(إِسْمَ التَّفْضِيلِ وَ الْفِعْلَ الْمَاضِيَ)

٣ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

(الْمُضَارِعَ الْمَنْفِيَّ وَ فِعْلَ النَّهْيِ)

٤ قُلِ الْحَقُّ، وَإِنْ كَانَ مُرًّا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(فِعْلَ الْأَمْرِ وَ الْفِعْلَ الْمَاضِيَ)

الْتَمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

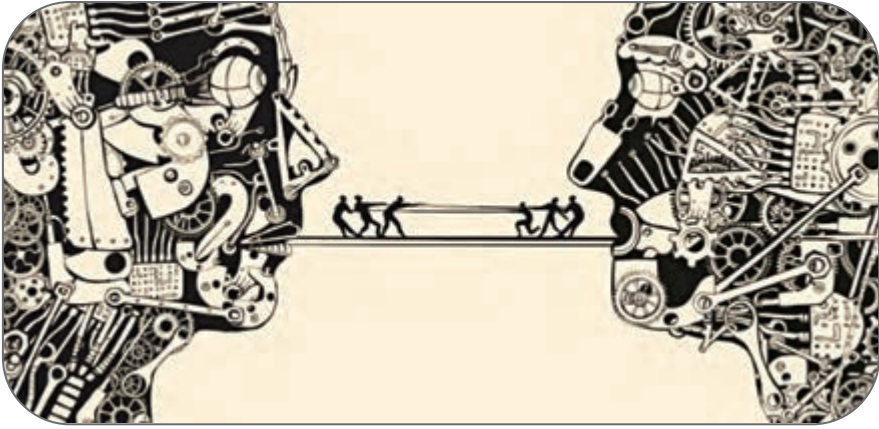
إِنْقَاذُ: نجات دادن	أَنْقَذُ:	يُنْقِذُ: نجات می دهد	أَنْقَذَ:
إِبْتِعَادُ: دور شدن	لَا تَبْتَعِدُ:	لَا يَبْتَعِدُ: دور نمی شود	إِبْتَعَدَ:
إِنْسِحَابُ: عقب نشینی کردن	لَا تَنْسَحِبُ: عقب نشینی نکن	سَيَنْسَحِبُ:	إِنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد
إِسْتِخْدَامُ:	إِسْتَخْدِمُ: به کار بگیر	يَسْتَخْدِمُ:	إِسْتَخْدَمَ: به کار گرفت
مُجَالَسَةٌ:	جَالِسٌ:	يُجَالِسُ: هم نشینی می کند	جَالَسَ: هم نشینی کرد
تَذَكُّرٌ: به یاد آوردن	لَا تَتَذَكَّرُ:	يَتَذَكَّرُ:	تَذَكَّرَ: به یاد آورد
تَعَايُشٌ: هم زیستی کردن	تَعَايَشَ: هم زیستی کن	يَتَعَايَشُ:	تَعَايَشَ:
تَحْرِيمٌ:	لَا تُحْرَمُ:	يُحْرَمُ: حرام می کند	حَرَّمَ: حرام کرد

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ.

- | | | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|-------------------------------------|---------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> عَشْرَات | <input type="checkbox"/> مِائَات | <input type="checkbox"/> أَلْف | <input type="checkbox"/> ١ تَهْم |
| <input type="checkbox"/> أَشْجَع | <input type="checkbox"/> أَطِيب | <input type="checkbox"/> أَثْقَل | <input type="checkbox"/> ٢ أَحْمَر |
| <input type="checkbox"/> عَسَّالَةٌ | <input type="checkbox"/> قِرَاءَةٌ | <input type="checkbox"/> فَتَّاحَةٌ | <input type="checkbox"/> ٣ سَيَّارَةٌ |
| <input type="checkbox"/> تَعَلَّب | <input type="checkbox"/> حَرَثٌ | <input type="checkbox"/> أَسَدٌ | <input type="checkbox"/> ٤ جَمَلٌ |
| <input type="checkbox"/> أَبْيَضٌ | <input type="checkbox"/> أَخْضَرٌ | <input type="checkbox"/> أَسْوَأُ | <input type="checkbox"/> ٥ أَسْوَدٌ |
| <input type="checkbox"/> دَخَلَ | <input type="checkbox"/> سِرْوَالٌ | <input type="checkbox"/> قَمِيصٌ | <input type="checkbox"/> ٦ فُسْتَانٌ |
| <input type="checkbox"/> هَدَفٌ | <input type="checkbox"/> مَرْمِيٌّ | <input type="checkbox"/> حَكْمٌ | <input type="checkbox"/> ٧ رَضِيٌّ |
| <input type="checkbox"/> لَبَنٌ | <input type="checkbox"/> صُوفٌ | <input type="checkbox"/> مِيزَانٌ | <input type="checkbox"/> ٨ لَحْمٌ |
| <input type="checkbox"/> كَذَّابٌ | <input type="checkbox"/> حَدَّادٌ | <input type="checkbox"/> خَبَّازٌ | <input type="checkbox"/> ٩ طَيَّارٌ |
| <input type="checkbox"/> زَلَّلٌ | <input type="checkbox"/> مَاعِزٌ | <input type="checkbox"/> بَقْرٌ | <input type="checkbox"/> ١٠ شَاةٌ |



اُكْتُبْ خَمْسَ عِبَارَاتٍ بِالْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ آدَابِ الْكَلَامِ.



١ الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامَ.

٢ إِذَا حَسَنَ الْخُلُقُ، لَطَفَ النَّطْقُ.

٣

٤

٥

٦

٧

يَجْرُ: می‌کشد حَسَنَ: نیکو و زیبا شد لَطَفَ: نرم و دلپسند شد



۳

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿ مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ مَعَهُ ﴾

الإمام عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ای جمله جهان، در رُخِ جان‌بخشِ تو پیدا
وی روی تو در آینهٔ کُؤنِ هویدا
(شمس مغربی تبریزی)

کُؤن: هستی

عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ، وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الطَّائِرُ الطَّنَانُ



أَصْغَرُ طَائِرٍ طَوْلُهُ خَمْسَةٌ
سَنْتِمِترَاتٍ، يَطِيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَ
الْأَسْفَلِ، وَ إِلَى الْيَمِينِ وَ الْيَسَارِ،
وَ إِلَى الْأَمَامِ وَ الْخَلْفِ. إِنَّهُ يُحَرِّكُ
جَنَاحَهُ ثَمَانِينَ مَرَّةً تَقْرِيْباً فِي
الثَّانِيَةِ الْوَاحِدَةِ.



الْتَّمْسَاحُ

بَعْدَ تَنَاوُلِ طَعَامِهِ يَفْتَحُ فَمَّهُ،
فَيَدْخُلُ فِيهِ طَائِرٌ بِاسْمِ الرُّقْزَاقِ، وَ
يَأْكُلُ بَقَايَا الطَّعَامِ.



الْسَّمَكُ الطَّائِرُ

يَقْفِزُ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَنْبِهِ الْقَوِيِّ، وَ
يَطِيرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ لِلْفِرَارِ مِنْ
عَدُوِّهِ خَمْساً وَ أَرْبَعِينَ ثَانِيَةً.

نَقَارُ الْحَسَبِ

طَائِرٌ يَنْقُرُ جِدْعَ الشَّجَرَةِ عَشْرَ مَرَّاتٍ
فِي الثَّانِيَةِ عَلَى الْأَقْلَى.



السَّنَجَابُ الطَّائِرُ

لَهُ عِشَاءٌ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهَا حِينَ يَفْزِرُ
مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى.



حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ

عِنْدَ شِدَّةِ الْحَرَارَةِ، تَضَعُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ،
ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصَا.
فَعِنْدَمَا يَقِفُ طَائِرٌ عَلَى الْعَصَا، تَصِيدُهُ.



الْمُعْجَم

مرغ باران	زَقْزَاقٌ	پایین، پایین تر ≠ اَعْلَى	أَسْفَلَ
مرغ مگس	طَنَانٌ	صید می کند (ماضی: صاد)	تَصِيدُ
پوشش	عِشَاءٌ	فکر کنید	تَفَكَّرُوا
دهان	فَمٌ	بال	جَنَاحٌ
چتر	مِظَلَّةٌ	دُمٌ	ذَنْبٌ
پرواز می کند (ماضی: طار)	يَطِيرُ	ماسه	رَمْلٌ

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١ بِمَ يَفْفِزُ السَّنَجَابُ الطَّائِرُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى؟

٢ كَمْ مَرَّةً يَنْقُرُ نِقَارُ الْخَشَبِ جِدْعَ الشَّجَرَةِ فِي الثَّانِيَةِ؟

٣ أَيْنَ تَضَعُ حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ ذَنْبَهَا عِنْدَ شِدَّةِ الْحَرَارَةِ؟

٤ كَيْفَ يَطِيرُ السَّمَكُ الطَّائِرُ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ؟

٥ مَا اسْمُ الطَّائِرِ الَّذِي يَدْخُلُ فَمَ التَّمْسَاحِ؟

٦ مَا هُوَ أَصْغَرُ طَائِرٍ فِي الْعَالَمِ؟

جواز (مع الطَّيِّبِ)

الْمَرِيضُ

الطَّيِّبُ

أَشْعُرُ بِأَلَمٍ فِي صَدْرِي،
وَ عِنْدِي صُدَاعٌ.

ما بِكَ؟

ما عِنْدِي صَغُطُ الدَّمِ وَ لَا مَرَضُ السُّكَّرِ.

أَ صَغُطُ الدَّمِ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟

بَعْدَ الْفَحْصِ

شُكْرًا يَا حَضْرَةَ الطَّيِّبِ.

أَنْتَ مُصَابٌ بِزُكَامٍ،
وَ عِنْدَكَ حُمَى.
أَكْتُبُ لَكَ وَصْفَةً.



حُمَى: تب

زُكَام: سرماخوردگی شدید

مُصَاب: دچار

أَلَم: درد

اعلموا

اسمُ المَكانِ

اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن مَفْعَل و گاهی بر وزن مَفْعِل و مَفْعَلَة است؛ مثال:

مَطْبَخ: آشپزخانه	مَصْنَع: کارخانه	مَطْعَم: رستوران	مَلْعَب: ورزشگاه
مَطْبَعَة: چاپخانه	مَكْتَبَة: کتابخانه	مَنْزِل: خانه	مَحْمِل: کجاوه

جمع اسم مکان بر وزن «مفاعِل» است؛ مانند مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١): تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

١ ﴿... وَ جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ النَّحْلُ: ١٢٥

٢ كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُور فِي خُوزِسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢): عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- | | | | | | | | | |
|--------------------------|-------------|--------------------------|-----------|--------------------------|-------------|--------------------------|----------|---|
| <input type="checkbox"/> | طَبَّخ | <input type="checkbox"/> | طَبَّاح | <input type="checkbox"/> | مَطْبُوح | <input type="checkbox"/> | مَطَابِخ | ١ |
| <input type="checkbox"/> | مُحَاكِمَةٌ | <input type="checkbox"/> | مَحْكُوم | <input type="checkbox"/> | مَحْكَمَةٌ | <input type="checkbox"/> | حَاكِم | ٢ |
| <input type="checkbox"/> | جَلْسَةٌ | <input type="checkbox"/> | مَجْلِس | <input type="checkbox"/> | مُجَالَسَةٌ | <input type="checkbox"/> | جُلُوس | ٣ |
| <input type="checkbox"/> | مَعْبَد | <input type="checkbox"/> | عِبَادَةٌ | <input type="checkbox"/> | عَابِد | <input type="checkbox"/> | مَعْبُود | ٤ |
| <input type="checkbox"/> | مَخْرَج | <input type="checkbox"/> | خُرُوج | <input type="checkbox"/> | إِخْرَاج | <input type="checkbox"/> | مُخْرَج | ٥ |

جَادِلْ: بَحْثُ كَنْ صَلَّ: كَمْرَاهُ شَد

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: تَرْجِمِ الْعِبْرَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١ تَسْقُطُ أَسْنَانُ سَمَكِ الْقُرَيْشِ دَائِماً وَتَنْمُو أَسْنَانُ جَدِيدَةٌ مَكَانَهَا. وَ فِي بَعْضِ أَنْوَاعِهِ تَنْمُو آلَافُ الْأَسْنَانِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.



الْمَطْلُوبُ:
 مفرد «أسنان»:
 مفرد «آلاف»:
 مترادف «سنة»:

٢ الْحَوْتُ الْأَزْرَقُ أَكْبَرُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ. يَبْلُغُ طَوْلُهُ ثَلَاثِينَ مِتْراً وَ وَزْنُهُ مِئَةً وَ سَبْعِينَ طُنّاً تَقْرِيْباً.



الْمَطْلُوبُ:
 اسم تفضيل:
 اسم مفرد مؤنث:
 فعل مضارع:

٣ التَّمْسَاحُ لَا يَبْكِي عِنْدَ أَكْلِ فَرِيْسَتِهِ، بَلْ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيْسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ، تُفْرِزُ عَيْوَنُهُ سَائِلاً كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.



الْمَطْلُوبُ:
 مترادف «أكل»:
 اسم جمع مكسّر:
 مفرد «دموع»:

٤ **لَهْجَاتُ نَوْعٍ وَاحِدٍ مِنَ الطُّيُورِ تَخْتَلِفُ مِنْ مِنتَقَةٍ إِلَى مِنتَقَةٍ أُخْرَى.**



المطلوب:
 جمع مكسر:
 جمع مؤنث سالم:
 جمع «منطقة»:

٥ **الْحَفَّاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ.**



المطلوب:
 فعل مضارع:
 جمع «حيوان»:
 ضمير منفصل:

فَرِيْسَة: شكار، طعمه
 تُفْرِزُ: ترشح می کند (ماضی: أَفْرَزَ)
 سَائِلُ: مایع
 لَهْجَاتُ: لهجه‌ها «مفرد: لَهْجَة»
 لَبُونُ: پستاندار
 وَحِيدُ: تنها
 طَيْرَانِ: پرواز کردن

سَمَكُ الْقُرْشِ: کوسه‌ماهی
 تَنَمُو: رشد می کند
 حَوْتُ: نهنگ
 كَاتِنُ: موجود
 حَيٌّ: زنده «جمع: أَحْيَاءُ»
 يَبْلُغُ: می رسد
 طَنَّ: تَنُّ
 أَكَلُ: خوردن = تَنَاوَلُ

التَّمْرَيْنِ الثَّانِي: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱. اَلْمُؤْمِنُ، قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. اَلْاِمَامُ الْكَاظِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
۲. اَلْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ، كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
۳. اَمْرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا اَمْرَنِي بِاَدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
۴. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. اَلْاِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
۵. اَلدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. اَلْاِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
۶. خَيْرُ الْاُمُوْر، اَوْسَطُهَا. رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

(نظامی گنجوی)	تا زانک تو جهان شود پُر	ا. کم کوی و گزیده کوی چون دُر
(امیر خسرو دهلوی)	کالبدی دارد و جانیش نیست	ب. علم کز اعمال نشانیش نیست
(سعدی شیرازی)	هم لایق دشمن است و هم لایق دوست	ج. اندازہ نگہ دار که اندازہ نکوست
(قائم مقام فراهانی)	چرخ بازیگر ازین بازیچه با بسیار دارد	د. روزگارست آن که که عزت دهد که خوار دارد
(حافظ شیرازی)	با دوستان مروت با دشمنان مدارا	ه. آسایش و و کیتی تفسیر این دو حرف است
(نظامی گنجوی)	بستراز آن دوست که نادان بود	و. دشمن دانما که غم جان بود

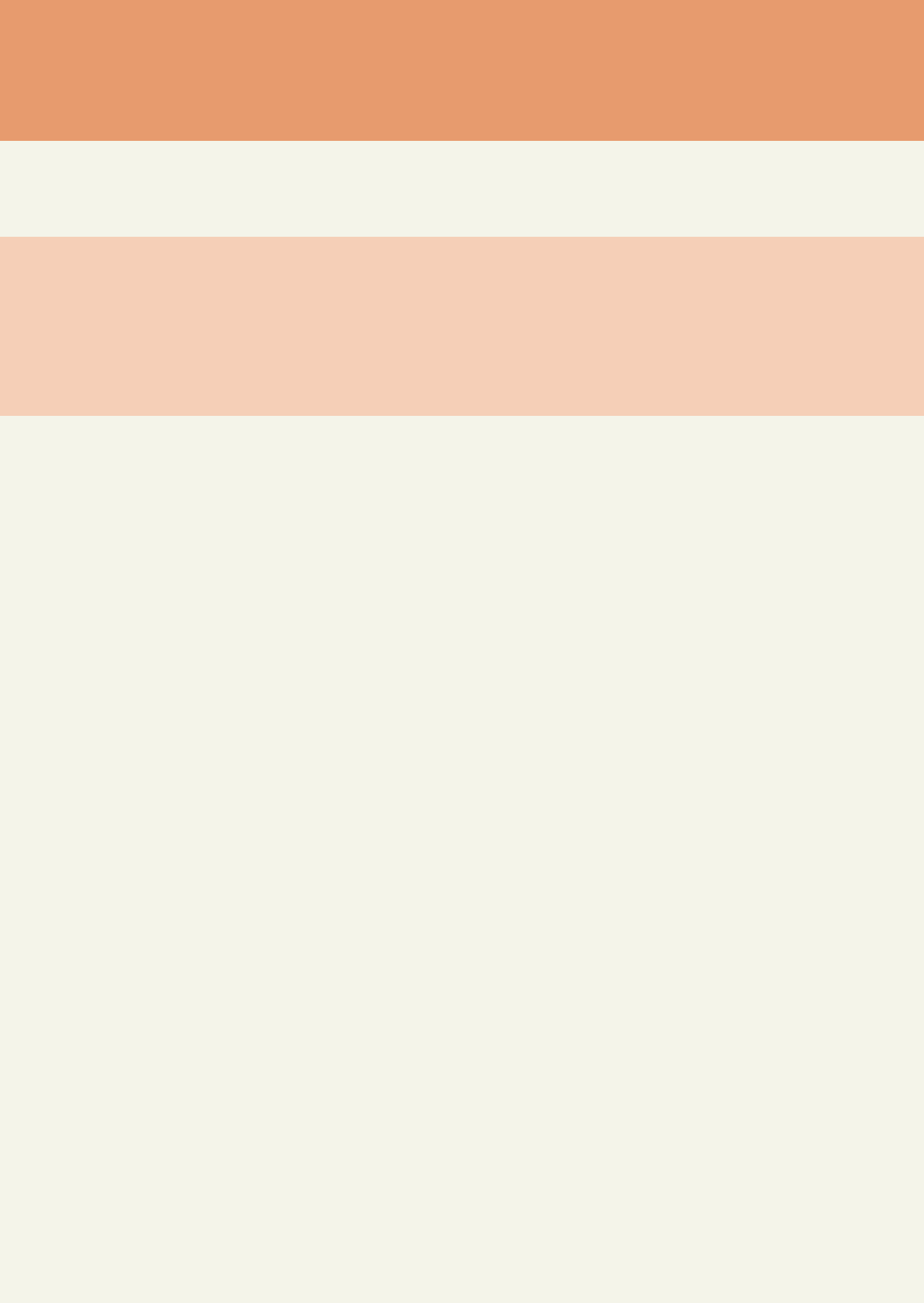
الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ وَ أَحَادِيثَ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ.



تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

كَنْزُ الْعَمَالِ: ٥٧٤





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾

الرَّحْمَنُ: ١ تا ٤

خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن گفتن را به او آموخت.

تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ



نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسِيَّةٌ كَثِيرَةٌ مُنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ بِسَبَبِ التِّجَارَةِ، وَكَانَتْ تِلْكَ الْمَفْرَدَاتُ مُرْتَبِطَةً بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالْمِسْكِ وَالدِّيْبَاجِ.

وَ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ اِزْدَادَ نُفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ حِينَ شَارَكَ الْإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ الْعَبَّاسِيَّةِ. وَ كَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأْثِيرِ، لِأَنَّهُ تَرَجَمَ عَدَدًا مِّنَ الْكُتُبِ الْفَارِسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ، مِثْلَ «كَلِيلَةَ وَ دِمْنَةَ».

أَلَّفَ الدُّكْتُورُ أَلْتُونْجِي «مُعْجَمَ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ» الَّذِي فِيهِ كَلِمَاتٌ فَارِسِيَّةٌ مُعْرَبَةٌ.

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصْوَاتُهَا وَ أَوْزَانُهَا،
مِثْلُ:

پَرْدِيس ← فِرْدَوْس مِهْرگان ← مِهْرَجَان چادْرشَب ← شَرشَف

تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ، أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ وَ لَا نَجِدُ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛
كَانَ تَأْثِيرُ الْفَارِسيَّةِ عَلَى الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَ أَمَّا
بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ اِزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ
الدِّينِيِّ.



برپایی، به پا خاستن	قیام	افزایش یافت	اَزْدَادَ
عربی شده	مُعْرَبٌ	دگرگون شد (مضارع: يَتَغَيَّرُ)	تَغَيَّرَ
واژگان	مُفْرَدَات	وارد شده	دَخِيل
مُشْك	مِسْك	ابریشم	دِيَاچ
منتقل کرد، ترجمه کرد (مضارع: يَنْقُلُ)	نَقَلَ	شرکت کرد (مضارع: يُشَارِكُ)	شَارَكَ

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

١ لِمَاذَا اَزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ؟

٢ مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

٣ مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

٤ مَتَى اَزْدَادَ نَفُودُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

٥ أ تَوْجَدُ لُغَةً بَدُونَ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ فِي الْعَالَمِ؟

٦ مَا هُوَ الْأَصْلُ الْفَارِسِيُّ لِكَلِمَةِ «فِرْدَوْس»؟

جواز (في الصيدلية)

الصِّدْلِيّ

أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ:

مِحْرَارٌ، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبُوبٌ مُهَدِّئَةٌ، كَبْسُولٌ أَمْبِيسِيلِينِ، قُطْنٌ طِبِّيٌّ، مَرَهَمٌ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ ...
لَا بَأْسَ، وَلَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيسِيلِينِ.

لِأَنَّ بَيْعَهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ.
لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ؟

رَجَاءً، رَاجِعِ الطَّبِيبَ؛
الْشِّفَاءُ مِنَ اللَّهِ.

أَلْحَاجُ

عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصْفَةٌ
وَ أُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى
الْوَرَقَةِ.

لِمَاذَا لَا تُعْطِينِي؟

أَشْتَرِيهَا لِرِزْمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ.



صِيْدَلِيَّةٌ: دَارُوخَانَةٌ صِيْدَلِيَّةٌ: دَارُوْفُرُوشٌ أَدْوِيَّةٌ: دَارُوْحَا مِحْرَارٌ: دِمَاسِجٌ قُطْنٌ: بِنْبَةٌ جِلْدٌ: پُوسْتٌ رَاجِعٌ: مِرَاجِعُهُ كُنْ

«لَنْ يَفْعَلَ» وَ «لَمْ يَفْعَلَ»

حرف «لَنْ» بر سر فعل مضارع می آید و آن را به «آینده منفی» تبدیل می کند؛ مثال:

فعل آینده منفی		فعل مستقبل (آینده)		فعل مضارع	
خواهم نوشید	لَنْ أَشْرَبَ	خواهم نوشید	سَأَشْرَبُ، سَوْفَ أَشْرَبُ	می نوشم	أَشْرَبُ
خواهی دانست	لَنْ تَعْلَمَ	خواهی دانست	سَتَعْلَمُ، سَوْفَ تَعْلَمُ	می دانی	تَعْلَمُ
خواهد رفت	لَنْ يَذْهَبَ	خواهد رفت	سَيَذْهَبُ، سَوْفَ يَذْهَبُ	می رود	يَذْهَبُ
خواهیم خورد	لَنْ نَأْكُلَ	خواهیم خورد	سَنَأْكُلُ، سَوْفَ نَأْكُلُ	می خوریم	نَأْكُلُ
خواهید نوشت	لَنْ تَكْتُبُوا	خواهید نوشت	سَتَكْتُبُونَ، سَوْفَ تَكْتُبُونَ	می نویسید	تَكْتُبُونَ
خواهند شناخت	لَنْ يَعْرِفَنَ	خواهند شناخت	سَيَعْرِفَنَ، سَوْفَ يَعْرِفَنَ	می شناسند	يَعْرِفَنَ
خواهند شنید	لَنْ يَسْمَعُوا	خواهند شنید	سَيَسْمَعُونَ، سَوْفَ يَسْمَعُونَ	می شنوند	يَسْمَعُونَ
خواهند نشست	لَنْ يَجْلِسَنَ	خواهند نشست	سَيَجْلِسَنَ، سَوْفَ يَجْلِسَنَ	می نشینند	يَجْلِسَنَ

حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع می‌آید و آن را به «ماضی ساده» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

فعل ماضی ساده و نقلی منفی		فعل مضارع	
نوشیدیم، ننوشیده‌ام	لَمْ أَشْرَبْ	می‌نوشم	أَشْرَبُ
ندانستی، ندانسته‌ای	لَمْ تَعْلَمْ	می‌دانی	تَعْلَمُ
رفت، نرفته است	لَمْ يَذْهَبْ	می‌رود	يَذْهَبُ
خوردیم، نخورده‌ایم	لَمْ نَأْكُلْ	می‌خوریم	نَأْكُلُ
ننوشتید، ننوخته‌اید	لَمْ تَكْتُبُوا	می‌نویسید	تَكْتُبُونَ
ندانستند، ندانسته‌اند	لَمْ يَعْرِفُوا	می‌شناسند	يَعْرِفُونَ
نشینیدند، نشینده‌اند	لَمْ يَسْمَعُوا	می‌شنوند	يَسْمَعُونَ
ننشستند، ننشسته‌اند	لَمْ يَجْلِسُوا	می‌نشینند	يَجْلِسُونَ

دو حرف «لَمْ» و «لَنْ» در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می‌کنند.

(به جز در ساخت‌هایی مانند يَفْعَلْنَ و تَفْعَلْنَ)^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب درسی نیست.



التَّوْبَةُ: ٤٠

﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ الرَّعْدُ: ١١

﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾

الْبَقَرَةُ: ٢١٦

﴿... أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ﴾

الْبَقَرَةُ: ٢٥٤

﴿... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ﴾

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ﴾

الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

- ❑ ❑ ١ «الْمِسْكُ» عِطْرٌ يَتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ.
- ❑ ❑ ٢ «الشَّرْشَفُ» قِطْعَةٌ فَمَا شِ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.
- ❑ ❑ ٣ الْعَرَبُ يَنْطَقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.
- ❑ ❑ ٤ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.
- ❑ ❑ ٥ أَلْفُ الدُّكْتُورِ الْتُونَجِيِّ مُعْجَمًا يَحْتَوِي كَلِمَاتٍ تُرَكِّيَّةً مُعَرَّبَةً فِي الْعَرَبِيَّةِ.



التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

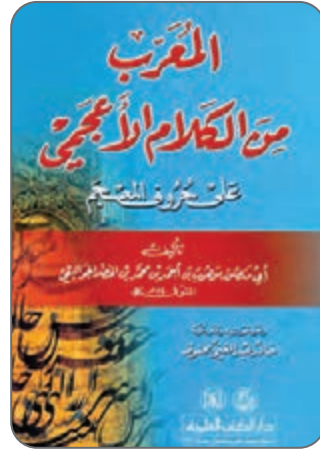
- تَجْرِي الرِّيَاحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. هر چه پیش آید خوش آید.
- الْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. کم گوی و گزیده گوی چون دُر.
- أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. نمک خورد و نمکدان شکست.
- الْصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. از دل برود هر آن که از دیده رود.
- الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. بَرَدِ كَشْتِي أَنْجَا كِه خَوَاهِدِ خُدَايِ وَگَر جَامِه بَر تَن دَرَدِ نَاخْدَايِ

تَشْتَهِي: می خواهد عَصَيْتُمْ: نافرمانی کردید

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمُفْرَدِ وَالْجَمْعِ.

		مفرد و جمع		
		مَحَاصِيل	مَحْصُول	١
		بَسَاتِين	فُسْتَان	٢
		بِضَائِع	بِضَاعَة	٣
		فَضَائِل	أَفْضَل	٤
		مَوَاشِي	مَاشِيَة	٥
		سُفُن	سَفِينَة	٦
		كُتَاب	مَكْتَبَة	٧
		غِرْلَان	عِرَال	٨
		صُنَاع	صَانِع	٩
		أَنْفُس	نَفْس	١٠
		مُدُن	مَدِينَة	١١
		أَدْوِيَة	دَوَاء	١٢
		أَسْعَار	سِعْر	١٣
		أَحْبَاء	حَب	١٤
		مَعَابِد	عَبْد	١٥
		أَعْمَال	عَمَل	١٦
		فُرُص	فُرْصَة	١٧
		جُمَل	جَمَل	١٨
		لُحُوم	لَحْم	١٩
		رِيَا ح	رِيح	٢٠
		تُهَم	تُهْمَة	٢١
		آلَاف	أَلْف	٢٢

اُكْتُبَ عِشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً أَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



اَلْمُعْرَبَاتُ الْفَارِسِيَّةُ
(لِلْمُطَالَعَةِ)

بَرْزَخ ← بَرَزْ أَحُو (اَلْعَالَمُ اَلْأَعْلَى: جهان بالا)

بَرَنَامَج: بَرَنَامَه (بَرَنَامَگ)

بَرَوَاز ← پَرَوَاز: قاب

بَرِيد ← بُرِيدَه دُم: پُست

بُستَان: بوستان

بَغْدَاد: بَغ + داد (خداداد)

بوسَة ← بوسه

بَهْلَوَان ← پَهْلَوَان (بِاَلْفَارِسِيَّة: بَندباز)

بَس: بس

بَط: بَت (بِاَلْفَارِسِيَّة: اردک)

بَلَّوْر: بُلور

بَنْفَسَج: بَنَفشه

تَارِيخ: تاریخ

تَتْوِيج: تاج گذاری ← تاج

تَخْت: تخت

تَرْجُمَان (تَرْجَمَة) ← تَرْزُبَان

تَنْوَر: تنور

توت: توت

إِبْرِيسَم: اِبْرِيشم

إِبْرِيْق ← اَبْرِيز: آفتابه، پارچ، قوری

أَرْجَوَانِي: اَرَجَوَانِي

إِسِيْدَاج: سِفِيْداج

أُسْتَاذ: اُسْتاد

إِسْتَبْرَق: سِتَبَرگ (اِبْرِيشم ضخيم)

أُسْطُوَانَة: اُسْتُوانه

إِسْكَافِي: پينه دوز ← إِشْكَاف، شِكَاف + ي

اَلْمَاس: ماس (امروزه به غلط در فارسی

الماس و در عربی اَلْاَلْمَاس گفته می شود.)

بَابُوْنَج: بابونه

بَقْشِيْش، بَخْشِيْش ← بَخْشِش

(بِاَلْفَارِسِيَّة: انعام)

بَابُوْج (نَوْعٌ مِّنَ الْحِذَاءِ) ← پاپوش

بَابُوْنَج: بابونه (بابونگ)

بَاذِنْجَان: باذنگان (بِاَلْفَارِسِيَّة: باذمجان)

بَرَبِط: (بَرِ بِاَلْفَارِسِيَّة: سینه + بَت: بِاَلْفَارِسِيَّة:

أَرْدَك) مِّنْ اَلْأَتِ اَلْمَوْسِيْقِي

جاموس: گاومیش

جَزْر: گَزَر

جَبْص: گِج

جُلَاب: گلاب

جُلَنَار: گُلنار

جُنَاح: گُناه

جُنْدِي: گُندی

جوراب: گورپا (گوراپ)

جَوْز: گوز (بِالْفَارَسِيَّةِ وَ الْكُرْدِيَّةِ: گِردو)

جَوْشَن ← جوشن: زره

جَوْهَر: گوهر

جَرْبَاء: هوربان (هور: خور «خورشید»)

خَانَة: خانه (بُيُوتٌ فِي لُعْبَةِ الشُّطْرَنْجِ)

خَنْدَق: کندگ

دِجَلَة: تیگره (تند و تیز)

دُرُوش: درویش

دُسْتُور ← دَسْتور: قانون

دِيَابَج: ديبا

دين: دین

رازيانج: رازيانه

رُزُق ← روچیک، روزیک «روزی»

روزنامه ← روزنامه (بِالْفَارَسِيَّةِ: تَقْوِيم)

رَوْزَنَة ← روزنه

رَوْشَان: رَوْشَن (گونه‌ای پنجره)

رَهْنَامَج: راه‌نامه (دَلِيلٌ لِلسَّفَرَاتِ الْبَحْرِيَّةِ)

زَرْكَش ← زَرِكش (نَسَجَ الْقُمَاشِ بِخُيُوطِ

مِنَ الدَّهَبِ: تارهای زر به پارچه کشید)

زَمَان: زمان

زَمَهْرِير: بسیار سرد

زَنْبِيل: (زَن: اِمْرَأَة + بَال: يَد = عَلَى يَدِ

الْمَرْأَة)

زَنْجَار: زَنگار

سَادَج: ساده «سَدَاجَة: سادگی»

سَاعَة: سایه

سَجِيل: سنگ گِل

سَخَط: سَخَت (الْعَضْبُ الْكَثِيرُ)

سِرَاج: چراغ

سِرَادِق: سَراپرده

سِرْخَس: سَرخَس

سِرْدَاب: سَرداب (زیر زمین: بِنَاءٌ تَحْتَ الْأَرْضِ)

سِرْمَد: سَرآمد (بی‌آغاز و پایان: ما لا أَوَّلَ

لَهُ وَ لا آخِرَ)

سِرْوَال: شلوار

سُكَّر: شکر

سَكَنَجَبِين: سرکه انگبین

سَلْجَم: شلغم

سِنْجَاب: سنجاب

سَوَسَن: سوسن

شَاشَة: صفحه تلویزیون ← شیشه

شَاهِين (صَفْر): شاهین

شَوَنْدَر: چُغَنْدَر

شَهْدَانِج: شاهدانه

شَهْد: عسل

شَيْء ← شی: چیز

صَفَق: کف زد ← چَپْک (کَلِمَة کُرْدِيَّة)

صَلِيب ← چلیپا

صَنْج: چنگ، سنج

صَنْك: تنگ (تنگی و سختی)

طَارَج: تازه (تازگ)

طَسْت: تَشْت

عَبْقَرِي ← آبکاری

عَرَبَة: آرابه

عَفْرِيت ← آفرید

فِرْجَار، پَرْگَار ← پَرْگَار

فُسْتَق: پسته

فَلْفَل: پلپل

فولاذ: پولاد

فَيْرُوز: پیروز

فَيْرُوزَج: فیروزه

فیل: پیل

گَاس: کاسه

کَافُور: کاپور

کَهْرَبَاء: کاه رُبا

گَنْز: گنج

لِجَام: لگام

مِخْرَاب: مِهْرَاب

مِسْک ← مِشْک: مُشْک

مِيزَاب: ناودان «گُمیز+آب»

نَارَنْج: نارنج (آنار رَنگ = نارَنگ)

نَسْرِين: نَسْرِين

نِفْط: نَفْت

نَمَارِق: بالشها (جمع نَرْمَك)

نَمُودَج: نمونه (نموده، نمودگ)

وَرْد: ورد

وَزِير: ویچیر

هَلِيلِج، اِهْلِيلِج: هلیله (نام گیاهی، هلیلگ)

هَنْدَسَة: اندازه

أَيُّهَا الْأَجِبَاءُ،
نَسْتَوِدُّكُمْ اللَّهُ،
وَ نَرْجُو لَكُمْ حَيَاةً طَيِّبَةً
نَتَمَنَّى لَكُمْ النِّجَاحَ،
مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



نَتَمَنَّى: آرزو می کنیم

نَسْتَوِدُّكُمْ: می سپاریم

